بازداشت مرد صراف بعد از کلاهبرداری ۲۰۰ میلیاردی

صرافی که بعد از کلاهبرداری ۲۰۰ میلیارد تومانی از کشور متواری شده بود، از سوی پلیس بین‌الملل بازداشت شد. به گزارش جام جم، سردار رهام بخش حبیبی، فرمانده انتظامی استان فارس گفت: اعضای این باند در پوشش صرافی و صدور حوالجات بین‌المللی و تامین ارز مورد نیاز ۲۰۰ میلیارد تومان از ۱۸۰ نفر کلاهبرداری کرده بودند. تحقیقات نشان می‌داد عضو اصلی باند یك مرد صراف است. در جریان تحقیقات پلیسی و شکایت مردم، سه نفر از اعضای این باند که دو نفر آنها با هم برادر بودند، در شهر شیراز بازداشت شدند. وی افزود: معلوم شد مرد صراف سوابق کیفری متعدد داشته و غیرقانونی به کمك همان دو برادر بازداشت‌شده از مرزهای غربی کشور خارج شده است. ماموران پلیس شیراز طی مکاتباتی که با پلیس بین‌الملل انجام دادند، توانستند متهم را در کشوری که پنهان شده بود، شناسایی کنند. در ادامه او بازداشت و تحویل پلیس ایران شد. تحقیقات از متهم که با همدستی دیگر اعضای باندش اقدام به کلاهبرداری ۲۰۰ میلیارد تومانی کرده بودند، ادامه دارد.

جنایت و مکافات

تیزتر از چاقوی ابراهیم...

حامد عسکری
روزنامه‌نگار

تا اینجا خواندیم که صفورا متاهل بود و سر بردن دخترش سارا به بیمارستان، با جوانی به نام میلاد آشنا می‌شود و بشماره تلفن همراهش را به او می‌دهد. ارتباط صفورا و میلاد عمیق می‌شود. میلاد به صفورا دل می‌بندد، از او برای ازدواج خواستگاری می‌کند و برایش انگشتری هم به عنوان هدیه خریداری می‌کند. صفورا که توی مخمصه بدی افتاده است، قصه خواستگاری را به ابراهیم می‌گوید. ابراهیم همسر صفورا، توی گوشش می‌زند و می‌گوید به میلاد بگو به خواستگاری‌ات بیاید. ابراهیم به صفورا می‌گوید او را به عنوان دایی خودش به میلاد معرفی کند و هرچه سریع‌تر به خواستگاری‌اش بیاید، به شرطی که ازدواج ابراهیم و خواهر میلاد هم صورت بگیرد. میلاد به خواستگاری صفورا می‌آید. ابراهیم هم با خواهر میلاد نامزد می‌کنند. یك روز ابراهیم به خانه می‌آید، وسایلی از انباری برداشته و به میلاد زنگ می‌زند که با هم به پیدا کردن گنج در اطراف ورامین بروند. اینك ادامه ماجرا:

دل توی دل صفورا نبود. مطمئن بود که ابراهیم بلایی سر میلاد می‌آورد. همه دلشوره‌های جهان ریخته بود توی دلش. بیچاره‌ترین زن جهان بود. وانتی که ابراهیم گرفته بود را ورانداز کرد. حتما از یکی از دوستانش گرفته بود. ابراهیم چایی را نصفه خورده و از حیاط زد بیرون. وانت زوزه کشید و در عقب رفتگی کوچه گم شد. جهان خیلی جای ترسناکی شده بود. هر تلفنی، هر صدایی، هر کسی در خانه را می‌زد، دل صفورا از جا کنده می‌شد. توی خانه تنها بود. بچه‌ها پیش خواهر میلاد بودند و او اصلا نمی‌توانست تصور کند که چه آنزیمی توی ذهن ابراهیم ترشح کرده که بچه‌ها را برده پیش خواهر میلاد. صفورا توی خانه تنها بود و همین دلهره‌اش را بیشتر می‌کرد. جرات نداشت به ابراهیم زنگ بزند، استیصال کامل بود و هیچ کاری از دستش ساخته نبود.

ساعت حدود یك شب بود که صدایی توی حیاط پیچید. مضطرب بیدار شد. ابراهیم توی حیاط داشت چیزی می‌شست. ترسیده بود، جلو رفت. یك تبر دسته‌کوتاه بود. توی صورتش زد و گفت ابراهیم چه کار کردی و ابراهیم خونسرد جواب داد. کشتمشون ... زن توی صورتش زد و دیگر چیزی نفهمید.

به هوش آمد. خوشحال شد که از یك خواب ترسناك بیدار شده. خدا را شکر کرد که الان ابراهیم می‌رسد و ناهارش را حاضر می‌کند و چای می‌خزاند پیش دستش و همه چیز روال خودش را دارد. همه این فکرهای شیرین از خیالش رد شد. شیرابه تلخ بیخ حلقش را فروداد و خودش را توی بستر قوس داد و با صدای مردانه‌ای به خودش آمد. مرد غریبه‌ای با لباسی زیتونی‌رنگ و ریشی چندروزه کنارش ایستاده بود. بیسیم توی دستش می‌گفت مامور قانون است. چشم‌هایی استوار و عمیق داشت، با آرامشی که در نگاه اول یقه‌ات را می‌گرفت. خواب شیرینش حالا پریشیده بود. چشم‌هایش به چهره مرد بود و لب‌هایش توان حرف نداشت. خنکایی روی ساعدش حس کرد. کله چرخاند. پرستار سن و سال داری با زیبایی‌ای بومی در چهره، چیزی توی ساعدش خالی کرد. ساعدش سوخت و سوزشی تا حوالی شاهرگ گردنش دوید و محو شد... پرستار رفت و افسر گفت اگه حالتون بهتره بریم برای یه سری سوال و صحبت... زن یخ کرد. می‌خواست عرق توی پیشانی‌اش را با پشت دستش خشك کند که دستش تیر کشید و سوخت. دستش به میله بغل تخت با دستنبد دوخته شده بود. چشم‌هایش سیاهی رفت و پلك‌هایش را بست. قطره‌ای اشك روی ملحفه شیری‌رنگ تخت درمانگاه چکید...

با پرداخت دیه و تلاش قاضی اجرای احکام صورت گرفت

بخشش قاتلی که ۳ بار از دروازه مرگ برگشت

گروه حوادث

مامور قلابی که به خاطر همسر فراری‌اش مرد پارچه‌فروش را کشته بود با رضایت اولیای دم از چوبه‌دار نجات یافت. قاتل قبل از بخشش سه بار تا یک قدمی چوبه‌دار رفته بود.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم در روزهای پایانی اسفند ۹۰ آتش‌سوزی در مغازه فروش ضایعات پارچه در کیلومتر ۷ جاده قدیم کرج به آتش‌نشانان و پلیس تهران گزارش شد. آتش‌نشانان با حضور در محل، آتش را خاموش کردند و ماموران حاضر در محل جسد مرد ۴۵ ساله‌ای را که صاحب مغازه بود در طبقه دوم مغازه یافتند که براثر خفگی به قتل رسیده و بعد عاملان جنایت آنجا را به آتش کشیده بودند. با شناسایی و تحقیق از خانواده مقتول معلوم شد که خودروی سمند وی مقابل مغازه پارک بوده که سرقت شده است. دو ماه بعد از این جنایت رد زن معتادی در پرونده به‌دست آمد که بعد از دستگیری اعتراف کرد که شوهر موقتش همراه دو مامور قلابی به مغازه مرد پارچه‌فروش رفته و دست به قتل زده و سرقت خودرو نیز کار آنهاست. با اعتراف وی عامل جنایت و همدستانش بازداشت و با اعتراف به جرایم‌شان روانه زندان شدند. متهمان مدتی بعد در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند. عامل جنایت در دفاع از خود گفت: مقتول را زیاد نمی‌شناختم. آموزشگاه زبان انگلیسی دارم و چندی قبل با زنی آشنا شده و با او ازدواج موقت کردم. وی معتاد بود و اختلاف‌مان سر اعتیادش باعث شد بی‌آنکه جدا شویم، فرار کند. بعد از مدتی پی بردم او شب‌ها در مغازه مقتول می‌خوابد. یک شب سراغ آن زن رفتم که به من گفت مقتول فقط جا و مکان به وی داده و صبح‌ها باید مغازه را ترک کند. گفته‌های او را نمی‌توانستم قبول کنم. او را تهدید کردم که ما را به آن مغازه راه دهد. آن شب قبل از رفتن مقتول من و دوستانم که یکی از آنها راننده و دیگری از کارکنان آموزشگاهم بود با جعل عنوان پلیس وارد مغازه وی شده با او درگیر شده، او را خفه کرده و بعد آنجا را به آتش کشیدیم تا ردی نماند و با سرقت خودرویش فرار کردیم. دیگر متهمان نیز گفته‌های او را تائید کردند. آنها به زندان بازگشتند و با توجه به درخواست اولیای‌دم، قاتل حکم قصاص گرفت و همدستانش به حبس محکوم شدند. با تائید حکم اعدام مرد جوان از سوی قضات شعبه ۲۴ دیوان‌عالی کشور، پرونده به شعبه چهارم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد و بعد از چند سال مرد اعدامی پای چوبه‌دار رفت اما در روز اجرا، اولیای‌دم در زندان رجایی‌شهر کرج حاضر نشدند و مرد اعدامی از سوئیت به سلولش بازگشت و حکم مرگ وی به تعویق افتاد. در این مدت با توجه به ابراز ندامت متهم در زندان، واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران در تلاش برای جلب رضایت خانواده مقتول بودند تا این‌که ماه رمضان امسال دوباره او را به سوئیت بردند تا حکم قصاص وی اجرا شود. با توجه به این‌که خانواده مقتول برای اجرا در زندان حاضر شده بودند این بار مرد جوان پای چوبه‌دار رفت اما فرصتی یک ماهه برای جلب رضایت گرفت و این‌بار هم حکمش متوقف شد. مرد اعدامی در این مدت نتوانست رضایت خانواده مقتول را جلب کند و دوباره پرونده او برای اجرا به جریان افتاد. قرار بود او برای سومین بار پای چوبه دار برود که با تلاش مریم خلیفه، دادیار شعبه چهارم اجرای احکام کیفری دادسرای جنایی تهران و تشکیل جلسات صلح و سازش با خانواده مقتول، عاقبت رضایت خانواده مقتول جلب شد و مرد اعدامی با پرداخت دیه بخشیده شد و از مجازات قصاص نجات یافت.

قاتل در حالی بخشیده شد که ۳ بار نام او در نوبت اجرای حکم قصاص قرار گرفته بود

جنایت هنگام معامله خودروی ۴ میلیاردی

درگیری دو مرد هنگام معامله خودروی چهار میلیاردی با قتل مرد خریدار پایان گرفت.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه جمعه قتل مردی در یك آپارتمان در محله کیانمهر کرج به پلیس گزارش شد. تیمی از ماموران اداره جنایی کرج در محل قتل حاضر شده و با جسد مردی ۳۲ ساله روبه‌رو شدند که با ضربه چاقو به قتل رسیده بود. یکی از همسایه‌ها که با پلیس تماس گرفته بود، در تحقیقات گفت: امشب متوجه شدم فردی به در آپارتمان می‌کوبد. دختربچه همسایه در خانه ما بود که به سمت در رفت و بعد از باز کردن در آپارتمان جیغ کشید. سریع خود را به مقابل در رسانده و با جسد مرد همسایه روبه‌رو شدم که غرق در خون روی زمین افتاده بود.

رئیس پلیس آگاهی استان البرز در این باره به جام جم گفت: تحقیقات پلیسی نشان داد، مقتول روز حادثه مهمان داشته و دختربچه‌اش برای بازی به خانه همسایه می‌رود. او در خانه با مهمان خود درگیر شده و از ناحیه گردن زخمی می‌شود. او خود را به سختی به مقابل در خانه همسایه می‌رساند تا از آنها کمك بگیرد اما بر اثر شدت خونریزی جان خود را از دست می‌دهد.

سرهنگ محمد نادربیگی ادامه داد: کارآگاهان پلیس آگاهی تحقیقات خود را برای شناسایی مهمان مقتول آغاز کرده و با ردیابی‌های تخصصی هویت او را شناسایی کردند. متهم به قتل که پنج سال قبل نیز به اتهام زورگیری دستگیر شده بود، در پلیس آگاهی البرز سابقه داشت. او بعد از قتل ناپدید شده و به خانه نرفته بود.

وی افزود: کارآگاهان بعد از ردیابی‌های پلیسی، مخفیگاه او را در منطقه باغستان شناسایی کرده و ظهر یکشنبه او را دستگیر کردند. متهم در تحقیقات پلیسی با اعتراف به قتل عنوان کرد که دلال خودروهای گرانقیمت است و شب جنایت برای خرید خودروی چهار میلیاردی مقتول به خانه‌اش رفته بوده و در آنجا به خاطر اختلاف مالی با هم درگیر شده و با چاقو ضربه‌ای به گردن مقتول زده و از محل فرار کرده بود.

رئیس پلیس آگاهی استان البرز خاطرنشان کرد: متهم با دستور بازپرس جنایی کرج در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او در اداره جرایم جنایی پلیس آگاهی ادامه دارد.

۷ کشته در تصادف پژو و پراید

برخورد پراید و پژو پارس در کرمان هفت کشته برجای گذاشت. احمد امیرخانی، معاون امداد و نجات استان کرمان در این باره به جام جم گفت: ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه یکشنبه دو دستگاه خودروی پراید و پژو، در جاده ماهان به کرمان با یکدیگر برخورد کردند که در این تصادف هفت نفر کشته و چهار نفر دیگر مجروح شدند.

بخشش ۳ مرد که سر مهندس جوان را بریدند

سه مرد که به خاطر قتل هولناك مهندس جوان به قصاص محکوم شده بودند، هفت سال بعد از جنایت بخشیده شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، سال ۹۲ ماموران پلیس تهران جسد مردی را دیدند که سر از تنش جدا شده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی و بررسی پرونده افراد ناپدیدشده، مشخص شد جسد متعلق به مهندس جوانی به نام فریبرز است. همسر فریبرز سه روز قبل، ناپدید شدن او را گزارش کرده بود.

در ادامه ماموران به یکی از دوستان مقتول به نام کیومرث مشکوك شدند که آخرین بار با هم در ارتباط بودند. این مرد در تحقیقات به قتل دوستش اعتراف کرد و گفت: من و مقتول از مدت‌ها قبل با هم اختلاف داشتیم. او سند املاك من را گرفته بود و آن را بازنمی‌گرداند. حتی چکی ۹۶ میلیونی از من گرفته بود. روز حادثه همراه کارگرم به نام سعید و دوستش میثم سراغ فریبرز رفتیم تا از او سندهایم را بگیریم اما سعید و میثم، او را به قتل رساندند.

با این اعترافات، دو متهم دیگر پرونده دستگیر شدند. آنها به قتل اعتراف کرده و مدعی شدند که کیومرث سر مقتول را بریده بود.

با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری فرستاده شد که در این جلسه اولیای دم برای قاتلان درخواست قصاص کردند. در ادامه هرکدام از متهمان قتل را گردن یکدیگر انداختند.

کیومرث در دفاع از خود گفت: اتهام قتل را قبول ندارم. فقط قصدم گرفتن مدارك بود اما سعید و میثم، فریبرز را کشتند. من هم برای این‌که گیر نیفتیم گفتم جسد را به جاده چالوس برده و در آنجا رها کنیم تا شناسایی نشویم.

دو متهم دیگر هم در دفاع از خود گفتند، ما فقط شال را دور گردن او فشار دادیم و کیومرث گلوی او را برید.

قضات هر سه متهم را به قصاص محکوم کردند که حکم در دیوان‌عالی تایید شد. هفت سال بعد از این جنایت خانواده سه مرد اعدامی توانستند رضایت اولیای دم را کسب و از قصاص نجات پیدا کنند. پرونده آنها بعد از بخشش اولیای دم برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم، به شعبه دوم دادگاه کیفری یك استان تهران ارسال شد.

مرگ دختر رهاشده در خیابان

نوزاد دختر رهاشده در خیابان بر اثر ناراحتی قلبی فوت شد و پلیس جنایی پایتخت در جست‌وجوی والدین اوست.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه بیست‌ودوم شهریور امسال، یکی از ماموران کلانتری تجریش با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از مرگ نوزاد دختر مجهول‌الهویه‌ای در یکی از بیمارستان‌های تهران خبرداد. در جریان تحقیقات معلوم شد چندی پیش این نوزاد دختر در یکی از محله‌های تهران رها شده بود و عابران او را پیدا کرده و با پلیس تماس گرفته بودند. این نوزاد، با هماهنگی قضایی تحویل بهزیستی شد، اما بعد از مدتی متوجه شدند وی به نارسایی قلبی مبتلاست که تحت درمان قرارگرفت، اما با وجود تلاش پزشکان فوت کرد.

کشف جسد در کوله‌پشتی

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان فارس از کشف جسد تکه‌تکه شده مردی حدود ۴۰ ساله در خیابان تیموری شیراز خبر داد.

سرهنگ کاووس محمدی در گفت‌وگو با جام جم در تشریح این خبر اظهار کرد: در پی انتشار خبری در فضای مجازی مبنی بر پیدا شدن جسد چند کودک در یک کوله‌پشتی در یکی از خیابان‌های شیراز، بلافاصله ماموران کلانتری ۱۴ مدرس و کارآگاهان پلیس آگاهی به محل مورد نظر اعزام شدند.

وی با بیان این‌که ماموران در بازرسی از کوله‌پشتی با جسدی تکه‌تکه‌شده روبه‌رو شدند، گفت: کارآگاهان در تحقیقات اولیه دریافتند جسد متعلق به مردی ۴۰ ساله است بنابراین ادعای مطرح شده در فضای مجازی مبنی بر اجساد کودکان صحت ندارد.

کوتاه از حوادث

تصادف اتوبوس تبریز-گرگان سه کشته بر جای گذاشت. این اتوبوس که از تبریز به سمت گرگان در حرکت بود، با یك تریلی در لاین جنوبی اتوبان کرج-قزوین در محدوده پل کردان تصادف کرد. با حضور نیروهای امدادی در محل حادثه، مشخص شد سه نفر از مسافران فوت کرده‌اند و یك زن و هفت مرد مصدوم شده‌اند که مصدومان روانه بیمارستان شدند.

دانش‌آموز هشت ساله اهل منطقه ترکالکی براثر کرونا فوت کرد. این پسر هشت‌ساله از بدو تولد بیماری قلبی داشته است. با بازگشایی مدارس، تنها یك روز آن هم در یك کلاس چهار نفره، مقطع دوم در دبستان ولایت منطقه ترکالکی حضور پیدا کرده بود. اما باتوجه به بیماری زمینه‌ای، روزهای بعد به مدرسه نرفت و حالش بد شد. وی در بیمارستان اهواز تحت درمان قرار گرفت، اما فوت شد. تست کرونای وی در دو مرحله منفی بود و بار سوم، مثبت اعلام شد. مدرسه ولایت که او در آنجا درس می‌خواند، برای یك هفته تعطیل شده است. همچنین مقرر شد که تست کرونا برای همکلاسی‌های این دانش‌آموز انجام گیرد.

یکی از ماموران پلیس در تبریز هنگام اجرای حکم دستگیری متهم سابقه‌دار، به شهادت رسید. صبح دیروز «محمدرضا سفیدی‌نسب»، کارمند رتبه ۱۱ و مسؤول مواد مخدر کلانتری ۲۲ طالقانی تبریز، همراه ماموران انتظامی و در راستای اجرای حکم قضایی برای دستگیری متهم سابقه‌دار به مخفیگاه او رفته بودند. وی زمانی که ماموران قصد ورود به مخفیگاه متهم را داشتند، از سوی متهم چاقو به‌دست مورد حمله قرار گرفت و زخمی شد. مامور زخمی به بیمارستان منتقل شد، اما به دلیل شدت جراحات به شهادت رسید.

مرد ۳۲ ساله که ازسوی آدم‌رباها ربوده شده‌بود بعد از دو ماه اسارت نجات یافت.

نوزدهم تیر امسال، وقوع آدم‌ربایی به پلیس شهرستان چابهار گزارش شد. ماموران تحقیقات در این باره را آغاز کردند که مشخص شد چهار مرد مسلح در حالی که چهره خود را پوشانده بودند، با سد کردن راه مرد ۲۳ ساله، او را ربوده و با خودروی پژو پارس متواری شده‌اند. پلیس در جست‌وجوی آدم‌رباها بود تا این‌که معلوم شد آنها با وی اختلاف‌هایی داشته‌اند و در تماس تلفنی با خانواده وی در برابر آزادی گروگان، یك میلیارد تومان پول خواسته‌اند. تحقیقات برای دستگیری آدم‌رباها و نجات گروگان جوان ادامه داشت تا این‌که با گذشت دو ماه از اسارت مرد جوان مخفیگاه آدم‌رباها در یکی از روستاهای شهرستان چابهار شناسایی شد و ماموران برای دستگیری آنها به آنجا اعزام شدند. در عملیات ماموران، گروگان نجات یافت و یکی از آدم‌رباها نیز بازداشت شد. پلیس در جست‌وجوی بقیه متهمان فراری است.

هیوندای اکسنت با موتورسیکلت در شهرستان چابهار تصادف کرده و منجر به مرگ سه نفر شد. وقوع این تصادف در محور نوبندیان به چابهار به پلیس گزارش شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که خودرو هیوندای اکسنت با موتورسیکلت تصادف کرده و باعث شده سه ترك‌نشین موتورسیکلت مصدوم و فوت شوند. در بررسی پلیس راهور مشخص شد که تجاوز به چپ خودرو هیوندای اکسنت باعث این تصادف مرگبار شده است.

تصادف پرشیا با تیر چراغ برق در مسیر جنوب به شمال بزرگراه امام علی(ع) منجر به سقوط تیر برق شد.

این خودروی پرشیا هنگام تردد در قسمت کندرو مسیر جنوب به شمال بزرگراه امام علی (ع)، حوالی محدوده خیابان پیروزی، به‌شدت با تیر چراغ برق برخورد کرد و باعث سقوط تیر چراغ برق شد. آتش‌نشانان در محل حاضر و به ایمن‌سازی پرداختند.

مرد کارگری بر اثر ریزش معدن در شهرستان منوجان فوت شد. همزمان با ریزش تونل در معدن فاریاب منوجان، نیروهای امدادی در محل حاضر شدند. در بررسی‌ها مشخص شد کارگری در این حادثه فوت کرده است. کارگر فوت‌شده اهل رودان بود و تیم تخصصی برای بررسی علت حادثه عازم معدن فاریاب منوجان شد.